

چیست؟

سینمایی پائین آمده، بعضی فیلم‌ها که با شرایط خاص و آنچنانی ساخته شده است، یکسال روی پرده می‌ماند و به نسبت فروش خوبی دارد، در حالی که بقیه فیلم‌ها زمین می‌خورند. فیلم من چندین سال است در صف اکران است. من از سینما و مظلومیت آن در شرایط حاضر دفاع می‌کنم، مدیران و مسئولان سینمایی باید برای آن هر چه زودتر چاره بیندیشند، و حمایت خود را همه جانبه تر کنند. تا هم فیلم خوب ساخته شود و هم خوب پخش شود. سینما اگر قرار است فرهنگ ساز باشد، نیاز به بودجه، مدیریت و حمایت بیشتر دارد و گرنه سینمایی که بخواهد بر مدار اقبال جامعه و مخاطب باشد، مانند سینمای هالیوود به یک سینمای مبتذل بدل می‌شود. به طور مثال همین تلویزیون که پر شده از آگهی‌های سس گوجه‌فرنگی، فرش و... چرا جای تبلیغ اقلام فرهنگی نیست؟ این گونه بیانیه دادن‌ها و دعوای درون صنفی هیچ ربطی به حل مشکل ندارد. چرا که با وجود این زنجیره هم دولت و هم فیلمسازان طلبکار، حق دارند. کار کردن در این شرایط همانند این است که گویا همه دسته جمعی داریم پشت سد شنا می‌کنیم، فارغ از اینکه آب پشت سد مکنده است و همه با هم غرق خواهیم شد.

افشین سنگ‌چاپ (هنرمند رسانه):

در نهایت این ما هستیم که بازی می‌خوریم...

آنچه که بیش از همه چیز برای من جالب توجه و جذاب است این است که خانه سینما با ریاست جناب عسگرپور چرا باید این بیانیه را بدهد، این رئیس خوب و کار درست از ۲۲ سالگی در کشور جایگاه‌های مختلفی در مدیریت فرهنگی کشور را اشغال کرده است، و آنچه واضح است این است که خودش عضو بخش مهمی از این روند است و به همین دلیل رویکرد انتقادی او را که نوعی گل به خودی است، درک نمی‌کنم. در حال حاضر خانه سینما بیشتر شبیه به محلی است که اعضاء اصلی آن به واسطه موقعیت‌های خود در این نهاد امکانات خاصی را از ارگان‌های مختلف کشور بگیرند. امکاناتی که به نام بچه‌های خانه سینما تمام شده اما از آن هیچ بهره‌ای ندارند و فقط برای چند نفر خاص در این نهاد بوده است. در شرایط حاضر، برای مدیر شدن رقابت و حشمتناکی به راه افتاده، به دلیل آنکه، مدیران از موقعیت سمتی خود در بهره‌گیری از امکانات شخصی سود می‌جویند، و گرنه مدیریت که جز در دسر نیست و تنها همین ویژگی باعث شده است همیشه برای گرفتن سمت مدیریت جدال باشد. به هر حال ما هم مثل بقیه می‌شویم که خانه سینما نیز از موقعیت‌های پیش آمده برای اعضاء، استفاده شخصی کرده است و اینکه با این پرونده چطور در این شرایط پز شبه روشنفکری برداشته و بیانیه سیاسی می‌دهد، قابل درک نیست، چرا که خودش سلولی از همین بدنه است. آنچه که برای ما در این دوران‌ها روشن شده است که این جریان‌سازی‌ها بیشتر شبیه به یک بازی است که عده‌ای را به جان هم بیندازند و یا کسانی را که در مخالفت و یا موافقت حرف می‌زنند را به دام بیندازند. با همین سمت و سوگیری‌ها، عده‌ای از کار بیکار می‌شوند و عده‌ای موقتاً جایگاه می‌یابند و گرنه این مدیران، همیشگی هستند و تنها ممکن است از ارگانی به یک ارگان دیگر بروند. در این میان کسانی که بازی می‌خورند ممنوع‌الکار و خانه نشین شده‌اند. رویکرد جدید تلویزیون در سیاستگذاری از یاد هیچ کس نمی‌رود... قدیمی‌ها را ممنوع‌الکار و خانه نشین کرد، سپس پشیمان شد و از همه دوباره دعوت به کار کرد! او با التماس به آنها سریال داده است. کلام آخر اینکه این دوستان که ادعا می‌کنند سرباز نظام هستند با ندانم کاری‌های خود محورانه هیچ اتفاق خوبی را رقم نزنند، آنکه باید ادعا کنند سرباز نظام است ما هستیم که با تمام این فشارها و شرایط بد اقتصادی همچنان پای کار فرهنگ و هنر ایستاده‌ایم.

ایمان کریمیان (رییس انجمن جلوه‌های ویژه میدانی):

این روزها حال سینما خوب نیست

با توجه به نگاه اجمالی و کوتاهی که به بیانیه داشتیم، واقعا نظر خاصی نسبت به آن ندارم. تنها می‌توانم بگویم که این روزها حال سینما خوب نیست، و این وضعیت محدود به امسال و پار سال نمی‌شود، سالهاست که وضعیت این است. همه اهالی سینما تقریباً بیکارند و من برای زدن این حقایق نه با خانه سینما دارم و نه با هیچ ارگان دیگر... سوالم این است که چه کسی باید به داد هنرمندان این صنف برسد؟ سالهاست تولیدات بسیار کم شده است و حال ما با سینما خوب نیست.



که می‌داند قادر به حل مشکل نیستند! عدم تعامل مدیران نه تنها در سینما بلکه در همه جای کشور دیده می‌شود، که بزرگترین آنها مدیران اقتصادی را در بر می‌گیرد. به طور مثال در تامین مواد غذایی کشور، دولت ادعا می‌کند کنجاله وارد کشور کرده است از طرفی صنف مرغداران می‌گویند که کنجاله به دست شان نرسیده، وقتی خبرنگار دنبال قضیه را می‌گیرد، مشخص می‌شود که کنجاله‌ها توسط دلان و اختلاسگران جیره بندی شده است. سینما هم همینطور است و معلوم نیست که در این بلبشو رسانه ای کنجاله‌ها دست کیست؟ و تا وقتی که این مسئله حل نشود نه فیلمساز، نه سینما دار و نه دولت زحمتش به ثمر نمی‌نشیند. در ملغمه‌ای گرفتار آمدیم که بی‌شبابته به اوضاع اقتصادی کشور نیست، جامعه‌ای که فرد فرد آن از خرده فروش تا عمده فروش به دنبال منافع خودش است. جامعه‌ای که تقصیرهای کوچک و بزرگ خود را وابسته به چیز دیگری می‌داند. به همین دلیل معتقدم که تورم اقتصادی در هزینه کردهای کشور، در سینما به شکل یک تورم فکری و ذهنی درآمده است و همه را دچار توهم کرده است. توهمی که باعث شده تولید فیلم‌ها بالا رود، از آن طرف اکران‌های

منافع‌شان در تعارض با هم است و به همین دلیل چند دستگی و گره افکنی‌هاست که فرهاد توحیدی استعفا می‌دهد و یا به طور کلی نظریات خانم مرضیه برومند در کلیت به حساب نمی‌آید. در واقع مرضیه برومند هنرمند نیک نام کشور را مدیر خانه سینما نکرده‌اند که اعتباری به او بدهند، بلکه خواسته‌اند که او را بی‌اعتبار کنند. به همین دلیل از زمانی که برومند وارد این نهاد شد تنها یک حکم داده است و پس از آن دیگر هیچ اقدامی از طرف خانم برومند در این نهاد صورت نگرفته است.

حجت‌الله سیفی (فیلم‌ساز):

پشت سد شنا نکنیم!

به نام خداوند داور و حکیم؛ در سینما و فعالیت‌های فرهنگی امروز ما هیچ داوری درست و حکیمانه‌ای اتفاق نمی‌افتد. به همین خاطر مسائل پیش رو یکی پس از دیگری حل نمی‌شود. هنرمندان و خانه سینما در طول دوران‌ها سعی کرده‌اند رویکردی طلبکارانه داشته باشند و از طرفی دولت هم هیچ اقدام کارسازی برای رفع و حل مشکل اتخاذ نکرده و مسئولیت را بر عهده کسانی می‌گذارد